

بسم الله الرحمن الرحيم

تنها خلافت راشده می‌تواند غرب را از پرتگاه نظام سرمایه‌داری نجات دهد



(ترجمه)

بدون شک، فرهنگ غرب-که امروز بر جهان حاکم است- فرهنگی است که مبتنی بر عقل و فطرت انسانی نبوده و بر یک اساس درست استوار نمی‌باشد؛ چون در اساس و جزئیاتش بر یک واقعیت مشخصی بروز کرده است که حاکمیت کلیسا در زندگی از یک طرف، فلاسفه و مفکرینی که منکر وجود دین بودند، از طرف دیگر می‌باشد. نخست سبب اختلاف دیدگاه این دو گروه در مورد انسان و حیات بود که بعداً باعث ایجاد سرمایه‌داری با نظام‌هایش گردید. بناءً فرهنگ غرب در مورد انسان از این دید که او انسان است، بحث نمی‌کند تا راه واقعی را برای حل مشکلاتش دریافت نماید، بلکه این فرهنگ قبل از این که در مورد واقعیت انسان و آنچه که به نفع و ضرر آن است بحث کند، در باره آن حکم صادر می‌کند. از عمده‌ترین افکار تخریب کننده آن مفکوره فردی و آزادی‌ها می‌باشد که مهم‌ترین مفاهیم این فرهنگ را تشکیل می‌دهند.

بناءً این فرهنگ راه را در پیش‌روی فرد کاملاً بازگذاشته تا هرکاری را که می‌خواهد، زیر نام آزادی انجام دهد و با این کار فطرت سالم و پاک جامعه را عوض می‌کند. زمانی که چنین شد، در مورد مهار طغیان این آزادی از طریق قوانین (مقید بودن آزادی فرد زمانی که به آزادی دیگران تجاوز نماید) بحث نمودند؛ اما با قوانین و ایدیولوژی وضعی‌شان نتوانستند جلو فساد را، که مانند آتش در علف زبانه می‌کشد، بگیرند. نتیجه چنان شد که با وجود داشتن زندگی مرفه، بسیاری از دنباله‌روان این فرهنگ، به خودکشی پناه می‌برند تا از زیر بار سنگین افکار ویرانگر این مفکوره نجات پیدا کنند.

جامعه به‌طرفی روان است که موافقت به آزادی‌هایی کند که در رسانه‌ها تقدیس می‌شوند و برنامه‌تعلیمی‌ای که نسل جدید را بر آسان‌سازی فحاشی و دوری از عفت تربیه می‌کند. علاوه بر قوانین وضعی، برهنه بودن، اختلاط، شراب و مخدراتی که عقل را از بین می‌برد، نیز جایز می‌داند. با این سبب، بسیاری از پدران باعث آزار و اذیت زنان، مادران و اطفال‌شان می‌شوند.

در یک درمان اصلاحی در امریکا، مؤسسه‌هایی برای معالجه آثار خشونت‌فامیلی در سال 1989م تأسیس شده بود و برای بازگشت زنان و اطفالی که از ناحیه مادی و یا معنوی متضرر شدند، کار می‌کند. این به‌فضایای بسیاری بر می‌گردد که در آن مناطق امنیت جامعه را تهدید می‌کرد. این مؤسسات هدف اولی‌شان حمایت از خانم‌ها و اطفالی است که خطر آن‌ها را تهدید کرده است؛ خطری که امنیت و سلامت افراد خانواده‌های غربی را تهدید می‌کند و در آینده از مهم‌ترین اسباب جدایی و پراکنده‌گی افراد خانواده‌های غربی به حساب می‌آید.

در یک احصائیه دقیقی که پولیس امریکا انجام داده، نشان می‌دهد که افراد قربانی خشونت خانوادگی، سالانه به 2928 تن رسیده و 20 درصد زنان توسط شوهران قبلی خود به‌قتل می‌رسند؛ در حالی که یک میلیون زن دیگر از خشونت خانوادگی و حوادثی که منجر به استفاده از سلاح می‌شود، رنج می‌برد. چیزی که امنیت خانوادگی را در غرب تهدید کرده و به عوض محبت، راحتی و سازگاری، لانه‌ای برای جنایات گردیده است. در مقابل، اسلام جامعه و خانواده را با احکام الهی حفظ نموده، آن‌ها را سرپرستی می‌کند؛ اگرچه کسانی که دماغ‌های‌شان را از فهم حقیقت‌های آشکاری که نیاز به دلیل ندارد، بسته اند و این مسایل را نمی‌دانند، خصوصاً این که اسلام زن را به عنوان مربی و سرپرست فرزندان معرفی نموده است.

قوانین اسلام آنچه را که نظام سرمایه‌داری و آزادی‌ها از زن گرفته است، به او بر می‌گرداند. آزادی‌هایی که دشمنان زنان گمان می‌کنند اسلام زن را از آن محروم ساخته است، آزادی نیست؛ آن‌ها با قوانین ساخته‌شان زن را به حیث متاعی تحت نام آزادی در بازارها به فروش می‌گذارند. آن‌ها جسم زن و آنچه را که باید حفظ شود، می‌فروشند. همه این‌ها مشخص می‌سازد که زن از نظر آنان کالا و متاعی بیش نیست. به طور مثال 60 درصد اعلانات تجاری‌شان وابسته به جسد زنان است که مجله امریکائی گلامور متخصص در امور زنان در یکی از شماره‌های آن نشان می‌دهد که 339 اعلان تجاری آنان از صورت زن کار گرفته شده است.

در مقابل متوجه می‌شویم، کسانی که ادعاء می‌کنند آزادی زن از این ناحیه است که او مالک خودش بوده و در آن حق تصرف را دارد، این مخالف فطرت و عقل ما است. اما دین اسلام زن را به قوانین لباس شرعی، منع خلوت با اجنبی، اختلاط و غیره حفظ نموده، آن را در ارتکاب فحشاء و منکرات، آزاد نگذاشته و برای اشباع غرایز، ازدواج را مشروع گردانیده است. اسلام با این کار زن را از ذلت نجات داده و دسترسی مردان بیگانه را به زن سخت ساخته است. زن مقید به رابطه شرعی و محکم از جانب الله سبحانه و تعالی، که ازدواج است، می‌باشد و با این کار ارتباط خانوادگی استوار شده و نسل بشر نیز تکثیر می‌یابد. با این کار روابط اجتماعی به‌وجود می‌آید که فامیل‌ها دارای روابط دوستانه باشند. پس فامیل‌ها با مفاهیم قوی با هم رابطه بر قرار می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها نیکی به والدین و غیره می‌باشد.

در خاتمه باید گفت: آزادی که غرب برای زن‌ها داده است، به‌شکل دلخراش در زنان، فامیل‌ها و جامعه تأثیر گذاشته و نه‌تنها جامعه را به طرف رفاه سوق نداده، برعکس جوامع غربی سخت دچار بی‌بندوباری، فقر فرهنگی، تشنجات خانوادگی و اجتماعی، تشوشات

روحی... می باشد که اسلام به همه این ها راه حل واضح و معقول ارایه نموده است که آن از طریق دولت خلافت راشده بدست آمده و در این نظام تمثیل درست نیز می شود و زنان غرب و همه بشریت را از پرتگاه فرهنگ سرمایه داری نجات خواهد داد.

برگرفته از جریده الرایه

نویسنده: غاده عبدالجبار (ام اواب)

27 شوال 1439 هـ.ق

11 جولای 2018م